

مصونیت از تعرض در تمام مدت نمایندگی مجری نبوده بلکه شامل فقط ایام اشتغال مجالس میباشد .

به موجب ماده ۲۲ مورد بحث چنانچه مقامات انتظامی نماینده یکی از مجالس را در حین ارتکاب جنحه یا جنایت تعقیب و دستگیر نمایند مقامات مربوطه ملزم خواهند بود رئیس مجلس را که متهم عضو آنست مستحضر سازند و مجلس حق خواهد داشت استخلاص موقت و کیل متهم و تعلیق تعقیب و محاکمه او را تا آخر دوره قانونگذاری تقاضا کند .

## مبحث دوم

### مقرری نمایندگان مجالس مقننه

سابق بر این موضوع مقرری نمایندگان پارلمان مورد بحث بود بدین معنی که جمعی از علمای حقوق اساسی و رجال سیاسی بر آن عقیده بودند که نمایندگی پارلمان شغلی نیست که اشخاص آنرا وسیله تأمین معاش قرار دهند و بنا بر این شایسته نیست که نمایندگان از خزانه دولت حقوق بگیرند بلکه بهتر است با عایدات شخصی خود اعاشه کنند علاوه بر روان این نظریه میگفتند که با عدم دریافت مقرری نمایندگان مجالس ثابت میکنند که برای خدمت به کشور و نه برای دریافت حقوق، و کالت ملت را قبول کرده اند. و اما در عصر حاضر تمام حقوقدانان و سیاسیون نظر مزبور را رد کرده چنین استدلال میکنند که اگر نمایندگان ملت مقرری دریافت نکنند در اینصورت اشخاصیکه تمول شخصی ندارند از انتخاب شدن به عضویت پارلمان محروم خواهند گردید که در نتیجه متمولین بنمایندگی انتخاب شده و از ثروت خود دفاع خواهند کرد. با توجه باین نکته غیر قابل تردید تقریباً در تمام ممالک دنیا اعضای مجالس مقننه اعم از مجلس مبعوثان و مجلس سنا از خزانه دولت مقرری دریافت میدارند علاوه بنمایندگان ولایات هزینه سفر تأدیه میشود. در غالب ممالک اعضای مجالس ماهیانه مقرری ثابتی میگیرند در صورتیکه در بعضی کشورها مقرری برای هر جلسه داده میشود. در بعضی ممالک از جمله برزیل نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنا علاوه بر مقرری ثابت در مقابل هر دفعه حضور حق الزحمه معینی (۱)

دریافت میدارند (ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۹۴۶ برزیل).

در تمام ادوار تاریخ سیاسی فرانسه باستثنای دوره قوانین اساسی ۱۸۱۴ و ۱۸۳۰ نمایندگان پارلمان از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند. بموجب ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۷۹۵ میزان سالیانه مقرری نمایندگان هیئت قانونگذاری معادل بهای سی هزار کیلو گرم گندم بود. قانون اساسی ۱۸۴۸ بنمایندگان اجازه نمیداد که از دریافت مقرری امتناع کنند.

طبق ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۹۴۶ نمایندگان پارلمان معادل حقوق طبقه مخصوصی از مستخدمین دولت مقرری دریافت میدارند. با توجه به ماده مزبور قانون ۶ ژانویه ۱۹۵۰ مقرری نمایندگان مجلس ملی و شورای جمهوری را معادل حقوق اعضای شورای دولتی (۱) معین کرده است. ۲ درصد از مقرری دریافتی نمایندگان مجلسین بابت هزینه نمایندگی محسوب شده و از پرداخت مالیات بر درآمد معاف است. علاوه بر دریافت مقرری و معافیت ۲ درصد آن از پرداخت مالیات بر درآمد نمایندگان مجالس با پرداخت وجه ناچیز حق مسافرت با راه آهن و حق استفاده از پست و تلگراف و تلفن را دارند. بموجب ماده ۲۷ قانون ۱۹۵۰ ترتیب پرداخت هزینه سفر نمایندگان مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه در مجلس ملی و شورای جمهوری و مجمع اتحاد فرانسه طبق تصمیم هیئت رئیسه هر یک از مجالس مزبور داده میشود.

### مبحث سوم

#### رسیدگی به اعتبارنامه های نمایندگان پارلمان

ماده ۸ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه که عیناً تقلید از ماده ۱۰ قانون اساسی مؤرخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ میباشد راجع به نحوه رسیدگی باعتبارنامه های نمایندگان پارلمان چنین مقرر میدارد:

« هر یک از مجالس حق تشخیص صلاحیت انتخاب شدگان و قانونی بودن انتخابات را دارا میباشد. فقط مجلس مربوطه میتواند استعفای نمایندگان خود را قبول کند ».

موضوع رسیدگی به صحت و سقم اعتبارنامه های نمایندگان مجالس مقننه مورد بحث میان علمای حقوق و رجال سیاسی میباشد. عده ای از حقوقدانان و مردان سیاسی

معتقدند که رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان باید با خود مجالس باشد زیرا اگر مقامات دیگری بغیر از مجالس در این امر مداخله کنند ممکن است تحت تأثیر قرار گرفته من غیر حق از تصویب اعتبار نامه های مخالفین دولت استنکاف نموده و بدین وسیله آنها را از مجلس طرد کنند.

بعقیده نویسنده این نظریه قابل دفاع نیست بدلیل اینکه رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان مجالس چه از حیث واجد بودن شرایط انتخاب شدن و چه از نظر مطابقت عملیات انتخاباتی با مقررات قانونی يك امر قضائی است و از اینرو و با توجه باصل تفكیک قوا که بموجب آن اعمال یکی از قوای ثلاثه نباید در وظائف دو قوه دیگر دخالت کنند مجالس مقننه اصولاً صلاحیت این کار را نداشته و فقط مقامات قضائی میتوانند این وظیفه را انجام دهند. بعلاوه بطوریکه سوابق امر گواهی میدهد اگر حق رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان به خود مجالس داده شود ممکن است حزب یا احزابیکه در مجلس اکثریت را تشکیل میدهند مخالفین مؤثر و متنفذ خود را که انتخاب آنان صحیح بوده و خودشان واجد شرایط قانونی میباشند از پارلمان طرد کنند و بالعکس اعتبار نامه های طرفداران و هم مسلکان خود را که انتخاب آنها برخلاف قانون صورت گرفته و خود آنها واجد شرایط انتخاب شدن نمیباشند تصویب کنند. ترتیب مزبور علاوه بر معایب مندرج بالا این عیب را نیز دارد که پس از تجدید انتخابات و افتتاح دوره تقنینیه نمایندگان که اعتبار نامه های آنها به تصویب نرسیده و نمایندگی آنها هنوز محرز نیست اعتبار نامه های همکاران پارلمانی خود را تصویب یاردمیکنند.

هر چند رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان پارلمان بدلایلی که ذکر گردید امری است قضائی و بایستی بوسیله قضاة انجام یابد با اینهمه در اکثر ممالک از جمله کشورهای متحده امریکای شمالی، اتحاد جماهیر شوروی، بلژیک و سویس هر یک از مجالس مقننه اعتبار نامه های اعضای خود را مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یاردمینمایند. در انگلستان چند نفر از اعضای دیوان عالی که بحکم قرعه انتخاب میشوند اعتبار نامه های نمایندگان مجلس عوام را مورد رسیدگی قرار داده گزارشی دائر به تصویب یا عدم تصویب آنها به مجلس تقدیم میکنند و مجلس نامبرده معمولاً گزارش هیئت قضائی را بدون بحث تأیید می نماید و اما برخلاف ترتیب معموله در سایر ممالک در انگلستان رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان بعمل میآید که انتخاب

آنها مورد اعتراض است و گرنه انتخاب شده بدون تصویب اعتبارنامه نماینده شناخته می‌شود.

در آلمان بموجب ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۹۱۹ رسیدگی باعتبارنامه های اعضای مجلس رایشتاگ بیک دادگاه مختلط مرکب از چند نفر نماینده مجلس رایشتاگ و چند نفر عضو دادگاه اداری واگذار گردیده بود نمایندگان را خود رایشتاگ برای تمام دوره تقنینیه و قضات را رئیس جمهور انتخاب مینمودند. برای اخذ تصمیم موافقت سه نفر نماینده رایشتاگ و دو نفر قاضی لازم و ضروری بود. در پاره ممالک مقامات قضائی اعتبارنامه های نمایندگان پارلمان را مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یارد میکنند.

در ایران مجلس شورای ملی و مجلس سنا بصححت اعتبارنامه های نمایندگان خود رسیدگی نموده آنها را تصویب یا رد مینماید.

## فصل هشتم

### تشکیلات داخلی و طرز کار پارلمان

#### مبحث اول

#### جلسات

چنانکه میدانیم مدت هر دوره قانونگزاری در فرانسه پنج سال است با این توضیح که مدت مزبور از تاریخ تشکیل اولین جلسه مجلس ملی شروع و بزمان انعقاد اولین جلسه مجلس ختم می شود. استثنائاً در صورت انحلال مجلس مدت مذکور در فوق کوتاه می گردد باید اضافه نمود که مدت دوره تقنینیه بشرحی که گذشت فقط در مورد مجلس ملی صادق است زیرا اولاً فقط مجلس ملی است که واجد اختیارات کامل در امر قانونگذاری میباشد ثانیاً تجدید شورای جمهوری چنانکه دیده ایم بترتیب تجدید بعضی صورت میگیرد نه تجدید کلی و تام.

اجلاس هر يك از مجالس قانونگذاری مدت زمانی را گویند که طی آن مجلس مزبور وظایف و اختیارات قانونگزاری را جمع بخود را اعمال میکند. هر دوره قانونگذاری معمولاً شامل چند اجلاس میباشد. تقسیم مدت هر دوره قانونگزاری بچند اجلاس ناشی از رژیم حکومتی بوده و در حدود رژیم اینگونه توجیه میشود که مجالس قانونگزاری برای انجام وظایفی که بر عهده دارند لازم نیست که لاینقطع در حال انعقاد باشند بلکه ادامه فعالیت آنها بدون وقفه و تعطیل و زائد بر آنچه مورد نیاز است ممکن است منشأ زیان و فساد گردد.

در چنان رژیمی شاه یا بطور کلی قوه مجریه میتواندست پارلمان را برای اجلاس دعوت کند و یا امر یا اختتام هر دوره اجلاس را صادر نماید. در رژیم سلطنتی انگلستان

با اینکه يك چنین ترتیبی برای اجلاس پارلمان معمول است معذالك در عمل لزوم وضع قوانین مالیاتی و قوانین دیگری که سالیانه باید تجدید و وضع گردند از دیر زمانی ایجاب کرده است که پارلمان انگلستان اجلاس مرتب و معین داشته باشد.

برعکس در رژیم جمهوری فرانسه سنت دیرینه بر دائمی بودن مجالس مقننه جاری گردیده و مجالس مزبور برای انعقاد و اجلاس محدودیتی ندارند و هر وقت بنخواهند می توانند تشکیل جلسه داده اختیارات قانونی خود را اعمال کنند. در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ مابین دو سیستم « دعوت مجالس مقننه از طرف قوه مجریه » و « اجلاس دائمی مجالس » طریقه بینابینی انتخاب شده بود باین معنی که در هر سال حداقل مدتی در نظر گرفته شده بود که طی آن مجالس قانونگذاری بدون تبعیت از اراده قوه مجریه میتوانند در حال اجلاس و انعقاد باشند و این حداقل مدت پنج ماه بود. اما ادامه انعقاد بیش از این مدت و یا تشکیل فوق العاده مجالس بستگی بدعوت قوه مجریه داشت. معذالك در بعض موارد و بخصوص در صورت درخواست اکثریت مطلق اعضاء هر مجلس قوه مجریه ناگزیر بود که مجالس قانون گذاری را برای انعقاد دعوت نماید.

جلسات - غیر از دوره قانون گذاری و اجلاسات هر مجلس طی دوره قانون گذاری مجالس مقننه اجتماعات کوتاه تری دارند که جلسه نامیده می شود.

جلسه عبارت از مدت زمانی است که طی آن يك مجلس قانون گذاری بطور رسمی تشکیل میشود و در اطراف مسائلی که در دستور کارهای آن مجلس قرار داده شده بحث و شور کرده اتخاذ تصمیم مینماید. بنابراین اجتماع عده ای از اعضاء يك مجلس فقط و قعی عنوان جلسه بنخود میگیرد که شرایط مقرر در آئین نامه از حیث نصاب عده اعضاء و غیره موجود باشد و نیز در سیستمی که اجلاسات هر مجلس مقننه از حیث زمان محدود است جلسات آن مجلس در خارج از مدت مزبور صورت قانونی ندارد. تاریخ و ساعت تشکیل جلسات هر مجلس و همچنین مدت و تعداد آنها توسط خود آن مجلس معین میگردد و از امور داخلی آن مجلس بشمار میرود.

### اصل دائمی بودن مجلس ملی در قانون اساسی ۱۹۴۶

قانون اساسی سال ۱۹۴۶ سیستم دائمی بودن مجلس ملی را انتخاب کرده است. معیناً اگر قانون اساسی مزبور اصطلاحات «اجلاس» و «تعطیل اجلاس» را بکار برده است معنی آن با مفهوم قدیمی این کلمات اختلاف کلی دارد و در خود تشریح و توضیح است :

#### ۱- مجلس ملی میتواند در هر موقع تشکیل یابد

در جمهوری سوم قوه مجریه این امتیاز را داشت که میتواند اجلاس مجلس قانون گذاری را تعطیل کند یا معلق سازد (البته با رعایت حداقل مدت مقرر در قانون اساسی ۱۸۷۵). چنین امتیازی دیگر وجود ندارد. مجلس ملی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ در دومین سه شنبه ماه ژانویه اجلاس سالیانه خود را شروع می کند. در مواقع انحلال مجلس، مجلسی که متعاقب آن انتخاب میشود در سومین پنجشنبه بعد از انتخابات انعقاد می یابد (اصل ۵۲). اما هیچ مقامی حق ندارد اجلاس سالیانه مزبور را تعطیل کند و ببندد مگر اینکه اجلاس سالیانه خود بخود خاتمه یابد و پس از تعطیلی که بین دو اجلاس سالیانه بوسیله قانون اساسی پیش بینی شده است اجلاس سالیانه لاحق شروع شود.

#### ۲- در بعض موارد مجلس ملی ناگزیر از انعقاد میباشد

اگر قانون اساسی به مجلس ملی آزادی داده است که هر موقع بخواهد تشکیل یابد از طرف دیگر در موارد زیر مجلس مزبور را مجبور با انعقاد نموده است :

اولاً - موقع گشایش اجلاس سالیانه و همچنین هنگام گشایش مجلس جدیدی که پس از انحلال مجلس سابق انتخاب شده است. اعضای مجلس ملی باید تشکیل جلسه دهند و لو اینکه از طرف هیئت رئیسه مجلس اقدام بدعوت اعضا مزبور نشده باشد. ثانیاً - مقارن تعطیلات مجلس (بین دو اجلاس) هیئت رئیسه میتواند بنا بر اراده خود و یا حسب تقاضای نلث اعضا و یا بنا بدخواست رئیس الوزراء اعضا مجلس را دعوت کرده و مجلس را تشکیل دهد. در دو حالت اخیر یعنی در صورت تقاضای يك

سوم اعضا، مجلس و یا درخواست نخست وزیر هیئت رئیسه مجلس موظف است که طبق تقاضائی که بعمل آمده اعضا، مجلس را دعوت کند. بنا بر این می بینیم که دولت اگر نمی تواند مانع تشکیل مجلس شود، در عوض میتواند باعث تشکیل آن گردد

#### ۳- خود مجلس میتواند اجلاس دائمی خود را موقتاً تعطیل کند

به ترتیبی که گفته شد جلسات مجلس طبق قانون اساسی بسیار ساده است یعنی يك اجلاس دائمی پیش بینی شده که طی آن مجلس مزبور باراده خود و بدون دخالت قوه مجریه تشکیل جلسات میدهد باین قید که شرح داده شد انعقاد مجلس اجباری و غیر قابل اجتناب می باشد. معذک در قانون اساسی تعطیل موقت اجلاس پیش بینی شده است. با توجه باین نکته که مجلس ملی می تواند باراده خود اجلاس خود را تعطیل نماید بنابراین عملاً بین تعطیل اجلاس و تشکیل نشدن جلسات تمایزی وجود ندارد مگر از جهت طول مدت باین توضیح که چون در هر حال جلسات مجلس همه روزه تشکیل نمی گردد بنابراین تنها تفاوت بین فاصله جلسات و تعطیل اجلاس از حیث طول مدت معلوم می شود زیرا بموجب اصل ۹ قانون اساسی هر گاه فواصل بین دو جلسه بیش از ده روز طولانی شود بمنزله تعطیل اجلاس تلقی میشود و مجموع مدت اینگونه تعطیلات نباید در هر سال از چهار ماه تجاوز کند.

#### ۴- اجلاسات شورای جمهوری با اجلاسات مجلس ملی مقارن است

در واقع برای مجلس ملی تفکیک اجلاسات از جلسات متضمن فایده ای نیست زیرا مجلس مزبور مختار و آزاد است که هر موقع که بخواهد تشکیل یابد برعکس تفکیک مزبور از لحاظ شورای جمهوری معنی کامل خود را می دهد. توضیح اینکه شورای جمهوری مادامی میتواند تشکیل یابد که مجلس ملی تشکیل می گردد. بدیهی است معنی این امر این نیست که شورای جمهوری حتماً باید در روزها و در ساعاتی که مجلس ملی منعقد است تشکیل جلسه دهد بلکه معنی آن این است که در مواقعی که انعقاد مجلس ملی پیش از ده روز بتأخیر افتاد یعنی مقارن تعطیلات زائد برده روز شورای جمهوری نمی تواند منعقد شود.



شورای جمهوری هیچگونه تأثیر و دخالتی در تعطیل و نه در دعوت پارلمان ندارد. شورای جمهوری باید تصمیمات مجلس ملی را که مربوط به تعطیل اجلاس است متابعت کند و هر موقع که هیئت رئیسه مجلس ملی اقدام بدعوت شورای مزبور برای افتتاح اجلاس نماید شورا باید تشکیل گردد. از اینجا پیدا است که شورای جمهوری تحت الشعاع مجلس ملی قرار دارد و تابع مجلس اخیر می باشد.

میتوان گفت که بطور کلی مجلس ملی دائماً در حال انعقاد است و حال آنکه شورای جمهوری برعکس پیروسیستمی است نزدیک به سیستم اجلاس زیرا امکان انعقاد برای شورای مزبور بدون آنکه معلق به تصمیم دولت باشد تابع تصمیم مجلس اول میباشد.

## مبحث دوم

### آئین نامه داخلی مجالس قانون گذاری

#### الف - طبیعت حقوقی آئین نامه داخلی مجالس

بطور کلی مجالس و انجمن هائی که بمنظور شور و مذاکره و اتخاذ تصمیم درباره موضوعاتی تشکیل می یابند اختیار دارند که برای خود آئین نامه داخلی وضع کنند و بموقع اجرا گذارند که بموجب آن شرایط داخلی و طرز کار آنها معین باشد. این صلاحیت در مورد مجالس پارلمانی بسبب صفات خاصی که دارند قطعی و روحتمی تر است.

آئین نامه داخلی نباید باتصمیماتی که جنبه قانون دارد مشتبه گردد. نظام نامه داخلی باتصمیمات نوع اخیر موضوعاً و شکلاً اختلاف دارد. موضوعاً از اینجهت که قوانین در خارج از حدود مسائل داخلی مجالسی که آنها وضع می کنند دارای تأثیر و اعتبار میباشد در صورتیکه تأثیر آئین نامه داخلی فقط محدود بامور داخلی خود مجلس است. شکلاً از این حیث که وجود یافتن يك قانون متوقف بر همکاری و تصویب هر دو مجلس و سپس توشیح آن میباشد و حال آنکه نظامنامه داخلی يك

مجلس بمحض تصویب از طرف خود آن مجلس قابل اجرا است .

### ب- موضوع و اهمیت آئین نامه داخلی

موضوع آئین نامه داخلی عبارتست از برقراری قواعد کلی که در مورد شرایط و طرز کار داخلی هر يك از مجالس باید اجرا شود .

اولاً - آئین نامه داخلی فقط در داخل مجلسی که آنرا وضع کرده است معتبر میباشد و لاغیر استثنائاً اصل بیستم قانون اساسی موردی را پیش بینی کرده است که در آن آئین نامه داخلی يك مجلس در باره مجلس دیگر نیز مؤثر است .

ثانیاً در موضوعات داخلی نیز نظامنامه داخلی نمیتواند با مقررات قانونی و با قانون اساسی مخالف باشد . مثلاً نظامنامه داخلی مجالس قانون گذاری لزوماً باید اصل متناسب بودن آراء (۱) را که قانون اساسی بموجب اصل ۱۱ در مورد تعیین هیئت رئیسه مقرر داشته است محترم شمارد و کمیسیونهایی را که قانون اساسی در اصل پانزدهم پیش بینی کرده است ایجاد کند .

ممکن است چنین تصور شود که آئین نامه داخلی که باین ترتیب محدود به آئین پارلمانی و مقررات قانون اساسی است واجد اهمیت چندانی نمیباشد . چنین تصویری مبتنی بر اشتباه است زیرا چنانکه می دانیم حتماً لازم نیست که اهمیت سیاسی مقررات حقوقی بامکانیکه آن مقررات در سلسله مراتب حقوقی اشغال میکنند بستگی داشته باشد . در حقیقت نظامنامه مجالس قانون گذاری بر رژیم پارلمانی آن قیافه زنده ای را که لازم است می بخشد . نظام نامه داخلی میتواند صدای اقلیت ها را خفه کند یا بر عکس «او بستر و کسیون» را برای آنان تسهیل نماید و همچنین میتواند بيك مجلس قانون گذاری اجازه بدهد یا ندهد که از اختیاراتی که قانون اساسی برای آن مجلس شناخته استفاده کند . بدین نحو است که آئین نامه داخلی شورای جمهوری سوسیالیست میسازد که تا سرحد امکان بشورای مزبور اجازه دهد که نقش واقعی بيك مجلس قانون گذاری را که قانون اساسی بر آن چندان اهمیتی قائل نشده است ایفاء کند .

## مبحث سوم

### هیئت رئیسه = رئیس مجلس ملی

#### ۱- هیئت رئیسه

هیئت رئیسه هر مجلس در آغاز هر دوره اجلاس انتخاب میشود. بنابراین چون هر جلسه در تمام سال طول میکشد بالنتیجه ابتدای هر سال هیئت رئیسه هر مجلس بترتیب انتخاب نسبی بوسیله دستجات پارلمانی تعیین میگردد.

هیئت رئیسه مرکب است از:

اولاً رئیس مجلس.

ثانیاً نواب ریاست که تعداد آنها در مجلس ملی ۶ نفر و در شورای جمهوری

۴ نفر است.

منشی ها - چهارده نفر برای مجلس ملی و شش نفر برای شورای جمهوری.

بعلاوه مجلس ملی ۳ نفر کارپرداز نیز دارا میباشد.

#### ۲- اختیارات رئیس مجلس ملی

رئیس مجلس ملی ببارای مخفی انتخاب میشود و فلسفه آن اینست که رئیس مجلس باید در میان همکاران خود بمنزله يك داور بیطرف باشد و از هیچ يك از احزاب جانب داری نكند. از این جهت است که روش پارلمانی ایجاب میکند که رئیس مجلس حتی در رأی دادن هر گز شرکت نجوید. اگر يك چنین رئیس بداند که فلان شخص بنفع او و یا فلان عضو مجلس بضرر او رأی داده است ممکن است از طریق بیطرفی خارج گردد.

بموجب قانون اساسی رئیس مجلس اختیاراتی بشرح زیر دارا میباشد:

اولاً - در مواقعی که رئیس جمهور را انتخاب نشده و همچنین در مواردیکه ریاست

جمهور بعلت موانع قانونی نمیتواند انجام وظیفه کند رئیس مجلس ملی و وظائف

اورا برعهده دارد.

ثانیاً - در مواقعی که مجلس ملی در حدود قانون اساسی منحل گردد مادام که مجلس تشکیل نشده است رئیس مجلس ملی ریاست هیئت وزیران خواهد بود  
ثالثاً - اگر رئیس جمهور در مدتیکه قانون اساسی پیش بینی کرده است از توشیح قانون امتناع نماید رئیس مجلس ملی قانون مورد بحث را توشیح میکند و دستور اجرای آنرا میدهد.

رابعاً - قبل از انحلال مجلس رئیس مجلس ملی باید مورد مشورت قرار گرفته عقیده و نظراو جلب شود.

خامساً - رئیس جمهور قبل از تعیین نخست وزیر باید با رئیس مجلس ملی مشورت نموده با کسب نظراو شخصی را که باید بعنوان نخست وزیر از مجلس رأی بگیرد انتخاب نماید.

سادساً - رئیس مجلس ملی عضو کمیته قانون اساسی نیز میباشد.  
علاوه بر وظائف مشروحه بالا وظیفه اساسی و عسادی رئیس مجلس اداره جلسات و حفظ و تأمین احترام و حسن اجرای آئین نامه داخلی است.

#### ۴- نواب ریاست - منشی ها و کارپردازان

سنگینی و صعوبت کار رئیس مجلس و همچنین تعداد جلسات ایجاب می کند که چند نفر نایب رئیس اورا در انجام این وظائف کمک نمایند.  
مسئولیت خاص منشی ها عبارتست از نظارت در انشاء صورت جلسه که توسط يك دسته از خلاصه نویسهای ورزیده انجام میشود. پیش بینی میشود که مذاکرات جلسات در آتیه در روی صفحه ضبط شود (این امر بجهاتی تا کنون عمل نشده است).  
کارپردازان موظفند که امور راجع به ساختمان و اسباب و اثاثیه و لوازم کار مجلس را اداره کنند و همچنین تدارك و استخدام و اداره عده زیادی کارمند حقوق بگیر از قبیل منشی ها ماشین نویسها در بانها پیش خدمتها و غیره بر عهده آنها میباشد.

## مبحث چهارم

### دستجات پارلمانی

در هر يك از مجالس قانون گزاری اعضای آن مجلس بر حسب مشی سیاسی و سلیقه خود تشکیل جمعیت هایی می دهند. اغلب اوقات (اما نه همیشه) این دستجات تابع احزاب سیاسی خارج از پارلمان بوده و با آنها مربوط می باشند. طبیعی است که الحاق به دستجات پارلمانی برای اعضای مجلس بهیچوجه الزامی نیست اما قانون اساسی و آئین نامه داخلی باینگونه دستجات چنان امتیازاتی داده اند که عملاً برای یکنفر عضو پارلمان غیر ممکن است که از الحاق یا افلا و انستگی یکی از دستجات مزبور بتواند خودداری کند. بالجمله کلیه تشکیلات داخلی مجالس مقننه بترتیب نمایندگی نسبی دستجات پارلمانی بوجود می آید از قبیل هیئت رئیسه - کمیسیونها - اعضای کمیته قانون اساسی بهلاوه دستور مذاکرات جلسات مجلس در کنفرانسی که رؤسای دستجات پارلمانی در آن شرکت دارند معین میگردد همچنین در مواردیکه مجلس مدت نطق را برای ناطقین محدود می نماید شخص ناطق فقط در صورتی خواهد توانست وقت کافی برای نطق در اختیار داشته باشد که از طرف یکی از دستجات پارلمانی صحبت کند.

بموجب ماده ۱۳ آئین نامه داخلی تشکیل دستجات غیر سیاسی مانند دستجاتی که از منافع محلی و غیره دفاع کنند ممنوع است. این ممنوعیت ناشی از این فکر است که فقط عقاید سیاسی شایستگی آنرا دارد که بخاطر دفاع از آنها اعضا، مجلس گردد هم جمع شوند و تشکیل دسته و جمعیتی بدهند برعکس امیال و مقاصد و منافع نوع دیگر قابل آن نیست که بدینگونه حمایت شود بنابراین مثلاً تشکیل جمعیتی برای دفاع از منافع فرهنگی در محوطه مجلس ممنوع است.

## مبحث پنجم

### کمیسیونها

کمیسیونها سازمان هایی هستند که طرحهای قانون و همچنین طرحهای

تصمیمات قانونی را که برای شور و تصویب بمجلس تقدیم میشود قبلاً مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند.

هر مجمع و شورائی ولو هر قدر محدود و کوچک باشد این احتیاج را درك میکند که مسائل مورد بحث و تصمیم را که بآن مجمع راجع است قبلاً بچند نفر از اعضای خود محول نماید تا آنها آن مسائل را قبلاً بررسی کنند و گزارشی درباره آن تهیه نمایند. فایده يك چنین ترتیبی غیر قابل تردید است زیرا قبل از هر چیز اصل تقسیم کار مورد عمل قرار میگیرد و اعضای کمیسیونها بفرآخور صلاحیت و اطلاعات مخصوص و بامهارتی که در حل و فصل نوع بخصوصی از مسائل و امور را میباشند و نیز بحسب لیاقتی که در پیش بینی طرق و موانع اجرای طرحها دارا هستند انتخاب میشوند و واضح است که موانعی که در راه اجرای يك قانون ممکن است ایجاد شود برای همه کس قابل پیش بینی نخواهد بود.

بعلاوه يك هیئت کوچک مرکب از چند نفر بیشتر تابع نظم و کارهای آن با سرعت بیشتر و با سرو صدای کمتر میتواند پیشرفت کند تا يك مجلسی که از ششصد نفر مرکب است.

گذشته از همه اینها برعکس آشکار است که مفیدترین کارهای پارلمان در کمیسیونها صورت میگیرد زیرا کار کمیسیونها غالباً بقدری جدی و دقیق است که مجلس میتواند حتی بدون شور و مذاکره پیشنهادات کمیسیونها را معتبر شناخته تصویب کند. در هر حال مذاکرات مجلس در جلسه عمومی درباره مسائلی که قبلاً در کمیسیونها مطرح و مورد بررسی قرار گرفته بهر آنب خلاصه تر و کار مجلس سبکتر و سهل تر است.

از نقطه نظر سازمان و طرز کار کمیسیونها یکی از صورتهای زیر را ممکن است دارا باشند.

۱- کمیسیون باز و کمیسیون بسته  
ترقیب کمیسیون باز که در انگلستان معمول است عبارت از این است که

کمیسیون‌نی که مأمور بررسی يك مسئله گردیده (مثلاً مطالعه يك طرح قانون) از کلیه اعضای مجلس که بخواهند در آن شرکت جویند تشکیل مییابد و به‌بارت دیگر در کمیسیون بر عموم اعضاء مجلس باز و شرکت در آن برای همه آنها آزاد است . این رویه در انگلستان نتایج خوبی داده زیرا فقط نمایندگان که مسئله مطروحه بجهتی از جهات مورد علاقه آنها میباشد در جلسات کمیسیون حاضر میشوند و بدین ترتیب بخودی خود هر کمیسیون از اشخاصی مرکب می شود که بیشتر و بهتر برای موضوع کار کمیسیون صلاحیت دارند .

امادر فرانسه برعکس روش کمیسیون بسته مورد عمل قرار گرفته که بموجب آن فقط اعضای کمیسیون که بر طبق آئین نامه از طرف مجلس انتخاب شده‌اند می توانند در مذاکرات و دادن رأی شرکت جویند .

بعضی از کمیسیونها و خصوصاً کمیسیون قوانین مالی حتی اجازه نمیدهند که نمایندگان غیرعضو در جلسات کمیسیون حضور پیدا کنند بدون آنکه در مذاکرات دخالت نمایند و بدین ترتیب جلسات این کمیسیونها جنبهٔ محرمانه بخود میگیرد .

#### ۴- کمیسیونهای دائم

باقبول سیستم کمیسیون بسته که فقط عده معدودی از اعضای مجلس در آن عضویت دارند مسئله دیگری طرح میشود و آن این است که آیا اینگونه کمیسیون دائمی باشند و یا فقط برای بررسی يك طرح معین مأموریت داشته باشند .

در فرانسه در مجلس نمایندگان تا سال ۱۹۰۲ ترتیب اخیر جاری بود باین معنی که هر دفعه که يك طرح قانون بمجلس تقدیم میگردد مجلس يك کمیسیون مخصوصی که اختیارات او محدود بمطالعه همین طرح بخصوص بود انتخاب مینمود و بمحض فراغت از مطالعه طرح مورد بحث آن کمیسیون بخودی خود منحل میشد . اما از سال ۱۹۰۲ ببعد ترتیب دائمی بودن کمیسیونها و تخصص بودن آنها جانشین ترتیب سابق شده است . این گونه کمیسیونها برای مدت یکسال انتخاب میشوند به‌لاوه بطور

نامحدود میتوان اعضای آنهارا مجدداً انتخاب نمود واضح است که این رویه بر سیستم سابق ترجیح دارد زیرا نمایندگان اجازه میدهد که در مسائل نوع بخصوصی متخصص گردند بعلاوه اعضای يك کمیسیون معین رفته رفته بهمکاری بایکدیگر خود میگیرند.

در حال حاضر در مجلس ملی فرانسه ۱۹ کمیسیون بزرگ که هر يك مرکب از ۴۴ نفر عضو میباشد و چود دارد بعلاوه يك کمیسیون حسابداری مرکب از ۱۱ نفر عضو و يك کمیسیون مصونیت‌های پارلمانی مرکب از ۲۳ نفر عضو. مهمترین این کمیسیونها کمیسیون امور خارجه و کمیسیون مالی میباشد.



## فصل نهم

### قوة مجریه

#### مبحث اول

##### رئیس جمهور

در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ رئیس جمهور دارای اختیارات زیادی نبوده است یکی از رؤسای جمهور فرانسه بنام گازیپیر پریه (۱) بعزت اینکه بقول خودش در دستگاه سیاسی فرانسه محکوم بعدم توانائی بود از شغل خود استعفا کرد و رئیس جمهور دیگری بنام میلران (۲) که در سال ۱۹۲۴ میخواست بطور مؤثر در انجام وظائف مربوط به دوات شرکت جوید از طرف مجالس قانون گزاری مجبور با استعفا گردید زیرا مجالس مزبور نمیخواستند برای ریاست جمهور نقش مؤثری در امور قوة مجریه قائل شوند.

در جمهوری چهارم رئیس جمهور نقشی بازی میکنند که از نقش رئیس جمهور در جمهوریهای سابق به مراتب بی اهمیت تر است.

##### طرز انتخاب ریاست جمهور

رئیس جمهور برای مدت هفت سال انتخاب میشود و طرز انتخاب آن بدین ترتیب است که طبق سنت جاریه مجلس ملی و شورای جمهوری در موقع انتخاب رئیس جمهور در قصر تاریخی ورسای (۳) اجتماع میکنند و رئیس جمهور را انتخاب مینمایند و این مجمع موسوم به کنگره تحت ریاست رئیس مجلس ملی تشکیل می یابد و اداره می شود.

نه قانون اساسی و نه قوانین عادی شرایط خاصی از لحاظ سن و اهلیت و غیره برای انتخاب رئیس جمهور پیش بینی نکرده اند. بنابراین هر یک از افراد زن یا مرد که بسن رشد رسیده و واجد حقوق مدنی و سیاسی باشد میتواند باین سمت انتخاب

شود. فقط اشخاصی که از تابعیت خارجی بتابعیت فرانسه در آمده باشند باید ۱۰ سال در تابعیت فرانسه باقی بمانند تا بتوانند حق انتخاب شدن بریاست جمهوری را دارا گردند مگر اینکه از این شرط معاف شوند (طبق فرمان مورخه ۱۹ اکتبر ۱۹۴۵ راجع به قانون تابعیت) معذک دو علت برای غیر قابل انتخاب بودن بریاست جمهوری وجود دارد اول اینکه اعضاء خانواده هائیکه سابقاً در فرانسه سلطنت کرده اند طبق اصل ۴۴ قانون اساسی نمیتوانند بریاست جمهوری انتخاب گردند و این شرط از زمان تجدید نظر در قانون اساسی سال ۱۸۸۴ بعد همیشه در قوانین اساسی فرانسه مورد توجه واقع شده و بصورت یک سنت سیاسی در آمده است. دوم اینکه هر رئیس جمهوری که قبلاً یکبار انتخاب او باین سمت تجدید شده باشد نمیتواند برای بار دوم مجدداً انتخاب گردد. بعبارت دیگر بر طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی تجدید انتخاب رئیس جمهور فقط یکبار میسر است و نه بیشتر.

قانون اساسی بطور صریح معین نمیکند که آیا رئیس جمهور باید به رأی مخفی یا علنی انتخاب گردد. عملاً چنین توافق شده است که اولین انتخابات ریاست جمهوری با رأی مخفی بعمل آید ولی انتخابات ممکن است با رأی علنی یا مخفی صورت گیرد. این مسئله واجد اهمیت است زیرا رئیس جمهور باید یک داور بی طرف در رأس افراد و احزاب سیاسی قرار داشته باشد. و برای آنکه بتواند بی طرفی خود را حفظ کند لازم است که نداند کی بضرر او رأی داده است.

اما در عوض قانون اساسی بطور عادی دقیق شرایط و طرز اجتماع دو مجلس را برای انتخاب رئیس جمهور تعیین کرده است بدین ترتیب که هیئت رئیسه مجلس ملی موظف است اعضای هر دو مجلس را بترتیب زیر دعوت نماید:

۱- در صورتیکه مدت ریاست جمهوری خاتمه یابد پارلمان باید حداکثر سی روز و حد اقل پانزده روز قبل از انقضاء مدت مزبور اقدام به انتخاب جانشین وی بعمل آورد سی روز چنانچه در موقعیکه برای انتخاب رئیس جمهور معین شده است مجلس ملی منحل شده باشد اختیارات رئیس جمهور حاضر ادامه خواهد یافت و پس از ده روز بعد از انتخاب مجلس ملی بدون مسامحه و تعلل جانشین رئیس جمهور باید انتخاب گردد.

۲- ولی هر گاه قبل از انقضای مدت ریاست جمهوری بعلمت موانع پیش بینی نشده از قبیل مرگ و استعفای رئیس جمهور و یا محکومیت او از طرف دیوان عالی و یا موانعی که انجام وظائف ریاست جمهوری را غیر ممکن سازد انتخاب جانشین رئیس جمهور جدید ضرورت پیدا کند ده روز پس از حدوث مانع انتخاب رئیس جمهور بعمل خواهد آمد اما باید توجه داشت که موانع و محظورات مذکور باید مورد رأی و تصدیق پارلمان قرار گیرد.

### شرایط و حدود اختیارات رئیس جمهور

علاوه بر اختیار اساسی رئیس جمهور در توشیح قوانین که در فصل آینده راجع به آن گفتگو خواهد شد سایر اختیارات رئیس جمهور بطور خلاصه از این قرار است

- ۱- ریاست شورای وزیران - ریاست شورای عالی و کمیته دفاع ملی - ریاست شورای عالی قضائی و همچنین ریاست کمیته قانون اساسی با رئیس جمهوری است.
- ۲- رئیس جمهور صاحب منصبان عالی دولتی مانند اعضای شورای مملکتی سفرای کبار - رؤسای دانشگاهها - استانداران - فرماندهان لشکری و غیره را نصب و تعیین میکند.

- ۳- حق عفو محکومین با رئیس جمهور است منتهی این اختیار را قانون اساسی تحت فرمول مبهم پیش بینی کرده است که بطور صریح نمیتوان از آن استنباط کرد که آیا رئیس جمهور باید پیشنهادهای شورای عالی قضائی را در باره محکومین بدون هیچگونه تغییر تصویب کند یا اینکه برعکس میتواند برخلاف آن پیشنهادها نیز شخصاً تصمیمی بگیرد یا آنرا تغییر دهد.

- ۴- در روابط سیاسی با دول خارجی پذیرفتن سفرای دول مزبور از اختیارات رئیس جمهور است.

همچنین رئیس جمهور باید از جریان مرادوات بین المللی مطلع باشد. امضاء و تسجیل عهدنامهها باشخص رئیس جمهور است با این قید که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی غالب عهدنامهها باید بموجب قانون خاصی بوسیله پارلمان تصویب گردد.

۵- بالاخره رئیس جمهور ریاست اتحادیه فرانسه را نیز دارا میباشد . چنانکه سابقاً گفته شد اختیارات رئیس جمهور در جمهوری چهارم کمتر از اختیارات وی در جمهوری سوم میباشد و باید باین نکته توجه داشت که مانند جمهوری سوم در جمهوری چهارم نیز رئیس جمهور بدون جلب موافقت قبلی يك وزیر نمیتواند هیچ يك از اختیارات خود را اعمال کند . بموجب اصل ۳۸ قانون اساسی علاوه بر موافقت رئیس الوزراء موافقت يك نفر دیگر از وزراء نیز لازم است تا رئیس جمهور بتواند اختیارات خود را اعمال کند و لذا میتوان گفت رئیس جمهور که نمیتواند هیچ کاری را بتنهایی انجام دهد در واقع تحت قیمومت قرار دارد و شخصیت او جنبه کاملاً تشریفاتی را دارا میباشد

تنها موردیکه رئیس جمهور میتواند ابتکاری بخرج داده و اظهار وجود کند موقع انتخاب نخست وزیر جدید است که راجع به چگونگی آن بعداً صحبت خواهد شد اما در این مورد هم رئیس جمهور نمیتواند شخصی را که تعیین کرده است بمجلس تحویل کند زیرا مجلس میتواند از دادن رأی اعتماد به نخست وزیریکه رئیس جمهور معین کرده است خودداری نماید .

#### شخصیت و رئیس جمهور

۱- چنانکه گفته شد شخص رئیس جمهور از بابت اموریکه راجع به سمت او است هیچگونه مسئولیتی ندارد و فقط وزراء از آن جهت درقبال مجلس مسئول میباشدند

۲- بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی سمت ریاست جمهوری با هر گونه مشاغل عمومی مانعة الجمع می باشد . بنابراین رئیس جمهور در مدت اشتغال باین سمت نمیتواند عضویت مجالس مقننه یا مجامع محلی را قبول کند و یا مثلاً شغل کشوری یا لشگری داشته باشد .

۳- در بودجه سالانه حکومت کنونی فرانسه مبلغ معینی اعتبار برای مخارج ریاست جمهوری در نظر گرفته میشود که يك قسمت از این مبلغ صرف هزینه ها و مخارج دفتر ریاست جمهوری - کابینه کشوری و لشگری - مسافرتها -

حقوق کارمندان و مستخدمین - اجاره محل - وغیره میگردد و مقداری از آن بعنوان حقوق شخصی بر رئیس جمهوری تعلق میگیرد مقرر رئیس جمهور در پاریس کاخ الیزه (۱) میباشد و هنگام تعطیلات در قصور ملی از قبیل رامبوئیله (۲) و فونتن بلو (۳) وغیره بسر میبرد.

۴- رئیس جمهور شخصیت درجه اول مملکت بشمار میرود و بر طبق تصویب نامه مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ واجد احترامات و تشریفات خاص میباشد. علاوه بر اینکه شخص رئیس جمهور مانند کلیه کارمندان دولت از هتاکی - افترا و سرزنش مصون بوده و مرتکب این اعمال را قانون کیفر میدهد شخص رئیس جمهور ( و فقط خود او به تنهایی) طبق ماده ۲۶ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ راجع بمطبوعات که بوسیله فرامین ۲۴ نوامبر ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ تمدید گردیده است از جهت هتک حرمت نیز مصون و مورد حمایت قانون قرار دارد. مراد از این هتک حرمت هر گونه بی احترامی لفظی یا قلمی یا عملی است که از طرف کسی نسبت به رئیس جمهور می شود و اینگونه هتک حرمت در صورتیکه نسبت بفرد دیگری از رؤسا و کارمندان دولت انجام گیرد مستوجب تعقیب کیفری نخواهد بود.

در خاتمه باید اضافه کنیم که برخلاف رژیم جمهوری آمریکا که در آن برای ریاست جمهور معاون پیش بینی شده تا در صورتیکه قبل از انقضاء دوره ریاست جمهوری بجهتی از جهات شخص رئیس جمهور نتواند وظایف خود را انجام دهد معاون او وظایف ریاست جمهوری را تا انقضاء مدت مزبور ایفاء نماید در فرانسه نه قانون اساسی فعلی و نه قانون اساسی سال ۱۸۷۵ معاون یا قائم مقام برای رئیس جمهور در نظر نگرفته اند. فقط چنانکه سابقاً گفته شد بر طبق اصل ۱۴ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ هر گاه بعلمت موانع غیر منتظره رئیس جمهور نتواند وظایف قانونی خود را انجام دهد رئیس مجلس ملی تا انتخاب رئیس جمهور جدید کفیل انجام وظایف رئیس جمهور خواهد شد.

## مبحث دوم

### نخست وزیر - وزراء هیئت وزیران

#### نخست وزیر

شرایط و حدود اختیارات نخست وزیر در قانون اساسی فعلی با آنچه که در سابق وجود داشته تغییرات کلی پیدا کرده است. سابقاً رئیس الوزراء با سایر وزیران تفاوتی نداشت و فقط اولین وزیر مابین آنها بشمار میرفت اما بموجب قانون اساسی فعلی اهمیت و اختیارات نخست وزیر بدرجه ای رسیده است که میتوان گفت رئیس واقعی قوه مجریه شخص نخست وزیر میباشد. اختیارات نخست وزیر بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی بشرح زیر است:

۱- اجرای قوانین و اختیار وضع آئین نامه و تأمین اجرای قوانین بر عهده رئیس الوزراء است در جمهوری سوم رئیس جمهور میتواندست شرایط اجرای قوانین را تعیین و تصریح نموده و همچنین با وضع دستورات و تعلیمات کلی اجراء و اعمال قوانین را تأمین نماید. یکی از آراء شورای مملکتی (۱) مشعر براین است که رئیس مملکت حق داشت با استفاده از اختیارات خاصه خود و بدون آنکه نمایندگی از طرف پارلمانی داشته باشد تصمیماتی که برای تأمین امنیت و نظم در سرتاسر قلمرو جمهوری فرانسه مفید باشد اتخاذ کرده و بمورد اجراء در آورد.

اما قانون اساسی سال ۱۹۴۶ اختیارات رئیس جمهور را بطور محدود معین کرده و در هیچ جا اختیار وضع مقررات و نظامنامه ها برای وی قائل نشده است. برعکس قانون اساسی فعلی در مورد نخست وزیر ترتیبی بکار برده است که در جمهوری سوم با تفسیر همین ترتیب بر رئیس جمهور اختیار وضع نظامات و مقررات داده میشود. بالنتیجه باید گفت که در حال حاضر نخست وزیر (نه رئیس جمهور) میتواند آئین نامه ها و مقررات قابل اجراء و معتبر را امضاء نماید منتهی با توجه به قسمت

اول اصل ۷ و قانون اساسی امضاء یکی از وزراء نیز باید بامضای نخست وزیر برسد .  
 ۲- نصب و گماردن مأمورین مملکتی - حق نصب مأمورین بخدمات کشوری و لشگری متعلق به رئیس الوزراء است جز آن دسته از صاحب منصبان و مأمورین دولت که تعیین آنها از طرف رئیس جمهور باید صورت گیرد . بطور کلی هر مقامی که حق تعیین يك مأمور دولتی را داشته باشد حق عزل او را نیز دارد . بنا بر این رئیس جمهور در جمهوری چهارم نمیتواند آن چنان مأموریتی را که خود او منصوب نموده است معزول کند . این اختیار از این بعد از آن رئیس الوزراء میباشد .

۳- نقش رئیس الوزراء در دفاع ملی - بموجب قانون اساسی سال ۱۹۴۶ نخست وزیر اداره ارتش و هم آهنگ ساختن دفاع ملی را تأمین مینماید . معنی این عبارت البته این نیست که نخست وزیر فرمانده ارتش میباشد و همچنین معنی این عبارت چنین نیست که شخص نخست وزیر رؤسا و فرماندهان لشگری را معین میکند زیرا بموجب اصل ۳۰ قانون اساسی اختیار تعیین رؤسای لشگری با رئیس جمهور است . بنظر میرسد که مراد از عبارت فوق این باشد که شخص نخست وزیر موظف است دستورها و تعلیماتی را که از طرف دولت برای تمشیت جنگ و یا در زمان صلح برای تأمین دفاع احتمالی و امنیت سرزمین فرانسه اتخاذ و صادر شده است به فرماندهان قشون ابلاغ نماید .

باتوجه به قسمت اخیر اصل ۷ و قانون اساسی سال ۱۹۴۶ که بموجب آن دستورات و نوشتجات صادر از جانب نخست وزیر باید بامضای یکی از وزراء نیز برسد ، چنین میتوان نتیجه گرفت که چون شخص نخست وزیر وارث قسمتی از اختیارات رئیس جمهور در جمهوری سوم گردیده است از این حیث نیز از الزامات و تکالیف رئیس جمهور مزبور ارث میبرد .

### طرز انتصاب نخست وزیر

هنگام تدوین قانون اساسی فعلی در مورد طرز تعیین نخست وزیر دو نظریه اظهار میگردد و دارای طرفدار بود . عده ای معتقد بودند که رئیس الوزراء منحصرأ بوسیله مجلس ملی انتخاب گردد . این عده در تأیید عقیده ای که از آن طرفداری

مینمودند چنین استدلال می کردند که اولاً از تاریخ تغلیه خاک فرانسه از قسواى اشغال کننده آلمان رئیس حکومت موقتی همیشه توسط مجلس انتخاب گردیده بود ثانیاً با قبول این که رئیس هیئت وزیران بایستی از اعتماد مجلس ملی برخوردار باشد تا بتواند وظایف خود را انجام دهد بنابراین مطمئن ترین و صحیح ترین طریقه برای داشتن نخست وزیریکه از این اعتماد و طرفداری مجلس برخوردار باشد اینستکه وی از طرف خود مجلس انتخاب گردد. این عقیده در اولین طرح قانون اساسی مورد پیشنهاد قرار گرفت اما چنانکه میدانیم طرح مزبور در فرانس دوم از طرف ملت فرانسه رد شد.

عده ای دیگر که دارای عقیده مخالف این بودند چنین استدلال میکردند که چنانکه در جمهوری سوم معمول بود هر موقع که دولت دستخوش بحران میگردد رئیس جمهور پس از مشورت با رؤسای احزاب سیاسی بکنفران مأمور تشکیل کابینه جدید مینمود. طبعاً چون چنین هیئت دولتی نمیتوانست بدون جلب اعتماد و طرفداری مجلسین بر سر کار باقی بماند رئیس هیئت دولت نیز از میان رجال سیاسی که از چنین اعتمادی برخوردار بودند انتخاب میگردد. به علاوه این عده اظهار میکردند که مادام که رئیس جمهوری وجود دارد بایستی بتواند لا اقل يك نقش مؤثری از نظر سیاسی بر عهده داشته باشد و گذشته از اینها بعقیده این دسته تعیین نخست وزیر بوسیله رأی مجلس مواجه باشکالاتی تلقی میگردد.

بالاخره راه حلی که انتخاب گردید از این قرار است که در هر موقع که انتخاب نخست وزیر جدیدی لازم باشد یعنی در موقع افتتاح مجلس ملی جدید یا بعد از استعفای هیئت دولت رئیس جمهور پس از مشورت های معمولی با رئیس مجلس ملی و با رهبران احزاب سیاسی بکنفران بعنوان نخست وزیر معین میکند یا بعبارت دیگر رئیس جمهور این بکنفران را باین عنوان بمجلس ملی پیشنهاد مینماید بدون آنکه قبل از تصویب مجلس مزبور رئیس جمهور بتواند شخص پیشنهاد شده را بموجب فرمان رسمی باین سمت منصوب سازد شخصی که از طرف رئیس جمهور بترتیب فوق



معین میگردد باید شخصاً در مجلس ملی حضور یافته رئیس بر نامه و سیاستی را که میخواهد تعقیب کند با اطلاع آن مجلس برساند. چنانچه مجلس ملی پس از اطلاع از برنامه و سیاست این شخص بوی رأی اعتماد داد نخست وزیر رسماً از طرف رئیس جمهور منصوب گردیده و کابینه خود را تشکیل می دهد. بنابراین اختیار رئیس جمهور فقط محدود باین است که شخصی را بعنوان نخست وزیر به مجلس ملی پیشنهاد نماید و این مجلس مختار است که بچنین شخصی رأی اعتماد بدهد یا نه.

### وزراء

وزراء در عین حال دو نقش ایفاء میکنند: از یکطرف در شورای وزیران شرکت جسته و در آن شورا رأی می دهند و بدین ترتیب هر يك از وزراء در تصمیماتی که راجع به سیاست کلی مملکت اتخاذ می شود شریک میباشد. از طرف دیگر هر يك از وزراء در رأس یکی از وزارتخانهها قرار دارد و بالنتیجه قسمتی از خدمات عمومی تحت نظر او اداره میشود. این جنبه دوم مهمتر است زیرا از این جهت هر وزیر بطور مشخص بتأمین حسن جریان امور یادسته ای از امور مملکتی که بر عهده وی گذاشته شده است مکلف می باشد. تعیین رؤسای مشاغل عالیه، اعمال تصمیمات و تنبیهات انضباطی درباره کارمندان وزارتخانه - اجازه پرداخت مخارج و انجام امور در حدود بودجه ای که در اختیار وی گذاشته شده - امضاء قراردادها و انجام معاملاتی که برای اجرای امور محوله بوی ضرورت دارد - تأدیه قروض دولت یعنی تعیین و تصفیه مبالغی که دولت بدهکار میباشد (جز در مواردی که بستانکاران معترف بوده و درداد گاهها طرح دعوا نمایند) و بالاخره دستور پرداخت اینگونه وجوه باشخص وزیر است. بنابراین وزراء در عین حال هم در امر حکومت و هم در امور اداری مملکت شرکت میکنند.

علاوه بر عده کارمندانیکه در هر وزارتخانه کار میکنند وزراء گاهی اوقات برای انجام وظائف اداری خود يك یا چند نفر معاون تحت عناوین «سکرتر دتا» (۱) یا «سوسکرتر دتا» (۲) نیز دارند.